

واکاوی وقفنامهٔ حاج آقا محسن عراقی [اراکي] بر اساس نظریهٔ تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

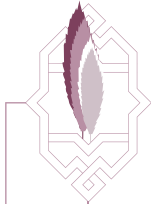
مقاله پژوهشی محمد مولایی*
فاطمه ایبک آبادی**

چکیده:

نوشتار حاضر با روش تحقیق کتابخانه‌ای و به صورت تحلیلی به واکاوی وقفنامه حاج آقا محسن عراقی بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف می‌پردازد. فرکلاف، متن را در سه لایه توصیف، تفسیر و تبیین مورد تحلیل قرار می‌دهد. در لایه توصیف، ارتباط میان معنا و لفظ در ساختار زبانی در مؤلفه‌هایی چون هم‌معنایی، تقابل معنایی، شمول معنایی در سطح واژه و جمله تحلیل می‌گردد. سطح تفسیر شامل بافت موقعیتی، بررسی بینامتنی و نوع گفتمان به‌کار گرفته‌شده در متن می‌باشد. متن مورد بررسی در این نوشتار وقفنامه حاج آقا محسن عراقی در دوره قاجار در شهر اراک می‌باشد. واقف با به‌کار بردن آیات قرآنی و احادیث اسلامی در حوزه بینامتنیت، متنی فلسفی، کلامی، فقهی و مذهبی را در قسمت مقدمه رقم زده و با ذکر بیان جزئیات چگونگی استفاده از موقوفات، گفتمانی اجتماعی و فرهنگی را بوجود آورده است. در سطح تبیین نیز با ترویج عمل صالحه وقف که یکی از سفارشات مذهب تشیع می‌باشد، متن هم‌راستا با ایدئولوژی قدرت حاکمه قرار دارد.

واژگان کلیدی: وقفنامه، واقف، حاج آقا محسن اراکی، تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف

*. دکترای زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگر وقف
Mohammad.molaei1353@yahoo.com
**. دکترای زبان و ادبیات فارسی
f.eybakabadi@yahoo.com



۱. مقدمه:

تحلیل گفتمان انتقادی یکی از رویکردهای تحلیل گفتمان است که در سال‌های اخیر گسترش یافته و بسیاری از تحلیل‌گران انتقادی از این روش برای تحلیل متون در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، ادبی، مذهبی و غیره استفاده کرده‌اند. این رویکرد دامنه مطالعات و تحقیقات زبان‌شناسی انتقادی و کاربردی را گسترده‌تر کرده و به سیاست، فرهنگ، ادب و اجتماع رسانده است. به طوری که فراتر رفتن از تحلیل زبان‌شناسانه متون و پیوند دادن آن‌ها به زمینه‌های سیاسی و اجتماعی از اصول و کاربردهای این رویکرد تحلیلی است. تحلیل گفتمان انتقادی چنان‌که ون‌دایک بیان کرده است در برابر سایر گرایش‌های تحلیل گفتمان و متون است. وظیفه‌ای که تحلیل گفتمان خود را به آن ملزم می‌کند، کشف آثار و نشانه‌های ایدئولوژیک در متن‌هاست. در این بین یکی از رایج‌ترین رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی، الگوی پیشنهادی نورمن فرکلاف، استاد زبان‌شناسی دانشگاه لنکستر انگلیس می‌باشد. آرای او در این حوزه متأثر از نظریات متفکرانی چون میخائیل باختین و مایکل هالییدی در بخش زبان‌شناسی، آنتونیو گرامشی، لویی آلتوسر و میشل فوکو در تئوری‌های ایدئولوژی و پیربوردر در علوم اجتماعی می‌باشد. در میان مهم‌ترین آثار او می‌توان به کتاب‌های زبان و قدرت (۱۹۸۹)، گفتمان و تحول اجتماعی (۱۹۹۲)، تحلیل گفتمان انتقادی (۱۹۹۵)، گفتمان رسانه‌ها (۱۹۹۵) و گفتمان در مدرنیته متأخر (۲۰۰۰) اشاره کرد و البته مقاله‌های فراوانی که در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی از وی منتشر شده است. فرکلاف در کتاب زبان و قدرت، چارچوب عملی خود را در تحلیل گفتمان بیان نمود و در آثار بعدی خود مانند کتاب تحلیل گفتمان انتقادی، به تدریج آن اصول را بسط و گسترش دارد.

«رویکرد فرکلاف نوعی تحلیل گفتمان متن محور است که تلاش می‌کند سه سنت را با یکدیگر تلفیق کند:

- تحلیل مفصل و دقیق متن در حوزه زبان‌شناسی (شامل گرامر کاربردی میشل هالییدی)

- تحلیل جامعه‌شناختی کلان پرکیتس اجتماعی (شامل نظریه فوکو)

سنت تفسیری و خرد در جامعه‌شناسی (شامل اتنومتودولوژی و تحلیل گفتگو) (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۵: ۱۱۷) الگوی فرکلاف ترکیبی از نظریه‌پردازی و کاربرد است. او دیدگاهی را تأیید می‌کند که معتقد است کاربرد زبان باید در زمینه اجتماعی تحلیل شود و تحلیل

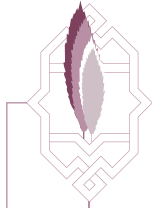
متن به تنهایی و بدون توجه با بافت اجتماعی کافی نیست؛ از این رو الگوی پیشنهادی نورمن فرکلاف، روشی مناسب جهت بررسی متون ایدئولوژیکی، مانند وقفنامه‌هاست.

وقف در تمامی ادیان به شکل‌های متفاوت وجود دارد. دین مبین اسلام نیز مردم را به کمک برای نشر دین و تأمین نیازهای معیشتی طبقه کم‌درآمد ترغیب می‌کند و آن را وسیله‌ای برای کسب رضای خدا در رسیدن به کمال می‌داند. «وقف در لغت به معنای ایستادن و پابندگی و در اصطلاح حبس کردن عین ملک یا مالی است که منافع آن در امور عام‌المنفعه مصرف شود که قاموس قرآن از آن به «حبس‌العین و تسبیل‌المنفعه» تعبیر کرده‌است.» (قرشی، ۱۳۸۶: ۲۳۶) در برخی متون دیگر نیز «تحبیس‌الأصل و اطلاق‌المنفعه» (حلی، ۱۳۸۵: ۱۵۶) ذکر گردیده‌است. علامه حلی در کتاب تبصره‌المتعلمین می‌گوید: «وقف آن است که اصل مال را نگه دارند و تا هست منافع آن‌را در راه خیر صرف کنند.» (همان، ۴۵۳) عده‌ای این تعریف را منبعث از حدیثی از پیامبر اسلام (ص) در جواهرالکلام می‌دانند که فرموده‌اند: «حبس‌الأصل و سبیل‌المنفعه» (فیض، ۱۳۷۲: ۳۵) «از ویژگی‌های اموال و دارایی‌ها قابل نقل و انتقال بودن آن‌هاست که یا به‌طور اختیاری به وسیله خرید و فروش صورت می‌گیرد و یا با عوامل غیر اختیاری مثل ارث عملی می‌گردد. قانون وقف این ویژگی نقل و انتقال را از موقوفه سلب می‌کند و از این‌رو به حبس تعریف می‌شود.» (امام جمعه زاده، ۱۳۷۹: ۷۱) همچنین از وقف از این جهت با عنوان صدقه جاریه یاد می‌شود که مستمراً ادامه دارد؛ به‌طوری که اصل آن ثابت و منافع آن در جریان است. «وقف را می‌توان از نظر کسب منافع و عواید به دو نوع تقسیم کرد:

- وقف انتفاع که مقصود از آن تحصیل درآمد مادی نیست مانند احداث مسجد، حسینیه، پل، جاده و غیره که همواره با عوارض خارجی مثبت همراه است.

- وقف منفعت که به منظور کسب درآمد مادی صورت می‌گیرد تا در موارد مشخصی هزینه گردد. مانند این‌که مغازه‌ای وقف شود تا از عواید آن بتوان مدرسه‌ای را اداره کرد.» (جنتانی، ۱۳۷۳: ۴۹)

اهمیت وقف در اسلام سبب گردید بسیاری از نیکوکاران وقف را به‌عنوان صدقه جاریه برگزینند و درآمد قسمتی از اموال خود را برای مصارف معینی وقف نمایند. در عصر ناصری موقوفات رو به فزونی نهاد که این امر در گزارش اروپائینی که در آن دوره از ایران دیدن کرده‌اند نیز مشهود است. «در دوران بعد از اسلام گاه مالکین و ثروتمندان بزرگ، ملک و یا مالی را حبس می‌کردند تا در معرض فروش و یا گرو قرار نگیرد و سود و بهره آن را در



راه منافع عمومی و یا عده‌ای معین مصرف می‌کردند. معمولاً واقف در وقفنامه خصوصیات رقبات و چگونگی مصرف و بهره‌برداری از آن‌ها و نام متولی و چگونگی تعیین متولیان بعدی را بیان می‌کند. غالباً به متولیان یک دهم از درآمد موقوفه را به عنوان حق‌الزحمه می‌پردازند. ممکن است واقف، تولیت را به اولاد و اعقاب خود و یا شخص دیگری واگذار کند. درآمد موقوفات باید به مصرف اشخاص یا سازمان‌های خیریه برسد. گاه در وقفنامه غیر از متولی شخص دیگری را به نام ناظر معین می‌کنند.» (راوندی، ۱۳۷۸: ۸۴۵)

در نوشتار حاضر نگارندگان با استفاده از الگوی پیشنهادی نورمن فرکلاف به بررسی وقفنامه آیت الله حاج آقا محسن عراقی (اراقی) خواهند پرداخت. در این بررسی سه سؤال اساسی مطرح می‌شود:

- وقفنامه مورد بررسی در سطح توصیف دارای چه ویژگی‌های زبان شناختی می‌باشد و کلمات و عبارات در آن چگونه به‌کار گرفته شده است.

- در سطح تفسیر این سؤال مطرح است که این وقفنامه با گفتمان‌های دیگر چه ارتباطی دارد و چگونه از گفتمان‌های موجود بهره برده است.

- در بخش تبیین بررسی می‌شود که این وقفنامه در مناسبات قدرت و ایدئولوژی چه رویکردی دارد؛ یعنی در پی حفظ ساختار موجود است یا تلاش می‌کند وضعیت موجود را تغییر دهد.

هدف در این پژوهش ضمن تحلیل لایه زبانی، بررسی بازتاب ایدئولوژی و قدرت در ساختار و اجزای این وقفنامه دوره قاجار می‌باشد.

۱-۱ پیشینه تحقیق:

تا به حال با استفاده از الگوی پیشنهادی فرکلاف، وقفنامه‌ای مورد تحلیل قرار نگرفته است؛ اما تحقیقات چندی در موضوع تحلیل گفتمان انتقادی و همچنین پژوهش‌هایی در خصوص وقفنامه‌ها و مسایل مرتبط با آن صورت پذیرفته است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

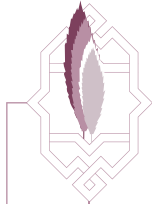
افشار (۱۳۵۷) وقفنامه مدرسه سلطانی کاشان مربوط به سال ۱۲۲۹ هجری قمری را بازخوانی کرده است. امیری کمال‌آباد و تفتی (۱۳۹۵) صنایع ادبی به‌کار رفته در متن وقفنامه قنات و باغ دولت‌آباد یزد را مورد بررسی قرار داده‌اند. پهلوان‌نژاد و ناصری (۱۳۸۷) نامه سران تگین‌آباد به امیر مسعود را از حیث معنی‌شناسی کاربردی مورد بررسی

و تحلیل گفتمانی قرار داده‌اند. خسروی (۱۳۷۸) به موضوع اهمیت وقف نامه‌ها به عنوان اسناد با ارزش ایران در حوزه زبان شناسی پرداخته‌است. رحیمی فر و سعیداف (۱۳۹۲) موقعیت اجتماعی واقفان در عصر صفویه را به استناد وقفنامه‌ها تحلیل کرده‌اند. هاشمیان (۱۳۹۵) به موضوع بازتاب وقف از حیث واژگانی و مفهومی در ادبیات فارسی پرداخته‌است. حاجی عباسی و رضایی (۱۳۹۰) تعداد ۷۲ وقف نامه متعلق به بلوک غار و فشاپویه در تهران را تنها مورد بازخوانی و بازنویسی قرار داده‌اند که برخی از آنها مربوط به دوره قاجار است. عسگری (۱۳۸۲) در پایان نامه خود موارد مصرف موقوفات استان مرکزی و انگیزه‌های واقفان استان مرکزی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌است. مولایی (۱۳۸۴) نیز در در پایان نامه خود به جایگاه وقف در ادب فارسی و کاربرد واژه «وقف» در سخن شاعران و بررسی آرایه های ادبی در چند وقف نامه پرداخته‌است.

نگارندگان در ادامه به مفاهیم اساسی مطرح شده در الگوی نظریه نورمن فرکلاف پرداخته و بر اساس آن به تحلیل و بررسی وقفنامه حاج آقا محسن اراکی خواهند پرداخت.

۲-۱. مبانی نظری تحقیق:

«تحلیل گفتمان انتقادی، شاخه علمی بین رشته‌ای در زبان‌شناسی است که کارکرد زبان را در جامعه و سیاست بررسی می‌کند. در این راستا، تحلیل گفتمان انتقادی، زبان را به عنوان عملی اجتماعی در ارتباط با ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه در سطح متن، اعم از گفتاری و نوشتاری مطالعه می‌کند. این رویکرد از زبان‌شناسی معتقد است که عواملی همچون بافت تاریخی، روابط قدرت و سلطه، نهادهای اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژی متن یا صورت زبانی و معانی جدید را به وجود می‌آورند.» (آقاگل زاده، ۱۳۹۰: ۱۱) «وظیفه گفتمان در باز تولید مناسبات سلطه اجتماعی از طریق کنترل معنا قرار دارد.» (فاضلی، ۱۳۸۳: ۸۲) به عبارت دیگر کنش‌های زبانی، ابزاری در خدمت ایجاد نابرابری، مشروعیت‌دهی یا مشروعیت زدایی هستند. شاید به این دلیل است که بسیاری از محققان زبان در حیطه تحلیل گفتمان به بررسی و کشف روابط پیچیده سلطه، قدرت، کنترل و تجلی آن در گفتمان روی آورده‌اند. در حقیقت «از اهمیت بازی‌های زبانی در شکل‌دهی به جهان پیرامون آگاه هستند، شیوه‌ای که ساختارهای قدرت به کمک آن ظرفیت جهان آفرینی واژه‌ها را به خدمت می‌گیرند، شیوه‌ای که واقعیت و عقل سلیم از رهگذر آن به جامه ایدئولوژی‌ها، ملبس می‌شوند.» (مک کافری، ۱۳۸۷: ۲۳)



گرچه رویکردهای مختلفی در حیطه تحلیل انتقادی گفتمان وجود دارد اما همگی در این نکته اشتراک دارند که باید از سطح توصیف گفتمان فراتر رفت تا بتوان به تبیین دست یافت و نشان داد که چگونه نابرابری‌های اجتماعی در قالب زبان، متبلور و بازتولید می‌شوند و به کشف ایدئولوژی‌ها و زوایای پنهان قدرت در لابه‌لای متون کمک می‌کنند. براساس تحلیل گفتمان با دو چارچوب متنی و فرامتنی روبرویم. بخش اول ماهیتی سبکی و نحوی - معنایی و بخش دوم ماهیتی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد. «بنابراین در این روش علاوه بر عناصر لغوی و نحوی تشکیل دهنده جمله با عناصر بافت موقعیت تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز سر و کار داریم. (دسپ، ۱۳۸۸: ۲۴)

نورمن فرکلاف از جمله نظریه‌پردازان برجسته در عرصه تحلیلی انتقادی گفتمان است «از نظر وی زبان ابزاری در خدمت شکل‌دهی به ذهنیت سوژه‌ها به شیوه‌ای خاص و جهت دار است.» (واحدی و رضایی، ۱۳۹۵: ۲۰۵)

فرکلاف، گفتمان را شامل سه بُعد می‌داند: «کردار اجتماعی، کردار گفتمانی و متن. وی معتقد است که تحلیل یک گفتمان، تحلیلی است از مجموعه این سه بعد و روابط میان آن‌ها» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۶۲) از منظر وی برای تحلیل گفتمان باید از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بهره جست. در واقع «همچنان که گفتمان را در سطوح متفاوت، گفتمان به منزله متن، گفتمان به منزله کنش متقابل یا کردار گفتمانی و گفتمان در سطح اجتماعی مد نظر قرار می‌دهیم، سطوح تحلیل گفتمان را نیز می‌توان به سه سطح متفاوت توصیف (زبان شناختی)، تفسیر (روابط بین فرآیندهای تفسیری و تولید گفتمان) و تبیین (روابط بین فرآیندهای گفتمانی و اجتماعی) تقسیم کرد.» (حجتی، ۱۳۹۰: ۴۱)

۳. بحث و بررسی:

وقف‌نامه‌ای که در این نوشتار مورد واکاوی قرار گرفته، نوشته‌ای است که بموجب آن آیت الله حاج آقا محسن اراکی، بخش عمده‌ای از دارایی‌های خویش را وقف بر مصارف معین نموده‌است. ن ویسندۀ این سند وقفی با توجه به دانش و آگاهی وافر و تسلطی که بر نثر فارسی و کلام ادبی داشته، توانسته است شیوه‌ای هنری و عالمانه را در این وقف‌نامه به‌کارگیرد به طوری که سبک نوشته و نوع نثر وقف‌نامه مورد نظر از جمله نمونه‌های زیبا و هنرمندانه نثر فارسی محسوب می‌شود. در ادامه این وقف‌نامه را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی خواهیم کرد.

۱-۳. سطح توصیف:

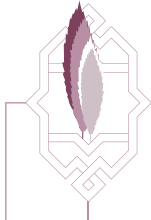
اولین سطح تحلیل در تئوری فرکلاف، سطح توصیف است. «در این سطح، متن متمایز از سایر متن‌ها و زمینه‌ها و اوضاع اجتماعی بررسی می‌شود. مجموعه ویژگی‌های صوری‌ای که در یک متن یافت می‌شوند می‌توانند به‌عنوان انتخاب‌هایی خاص از میان گزینه‌های مربوط به واژگان و دستور موجود تلقی شوند.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۷) در الگوی فرکلاف، متن در مرکز است و تحلیل محور آن به شمار می‌رود «او در این سطح، ویژگی‌های صوری و دستور گفتمان را با استفاده از نظریه‌های زبان‌شناسی تحلیل می‌کند. از مهم‌ترین این نظریه‌ها، نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هالیدی است.» (آقا گل زاده، ۱۳۹۰: ۱۹) فرکلاف با استفاده از این رویکرد چگونگی ارتباط میان معنا و لفظ را در ساختار زبانی گفتمان بیان می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه کلمات و ترکیب‌های زبانی، ایدئولوژی و ساختار قدرت را منعکس می‌کند. مطابق با این نوع تحلیل، مشخص می‌شود چه نوع روابط معنایی (هم‌معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی) به لحاظ ایدئولوژیک بین کلمات وجود دارد؟ آیا عباراتی وجود دارد که بر حسن تعبیر دلالت کند؟ آیا کلماتی وجود دارد که رسمی یا محاوره‌ای باشد؟ جملات بیشتر از نوع مثبت هستند یا منفی؟

مرحله توصیف در این وقف‌نامه به منزله سرنخ‌هایی است که واقف یا نگارنده وقف‌نامه به‌وسیله آن عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌کند.

۱-۱-۳. هم‌معنایی:

هم‌معنایی یا مترادف از زیرمجموعه‌های مباحث معنی‌شناسی است که در بررسی و تحلیل ساخت واژگانی یک متن از نظر معنایی مورد توجه قرار می‌گیرد. «هم‌معنایی یکی از شناخته‌شده‌ترین روابط مفهومی در سطح واژه‌های زبان است ... دو یا چند واژه را زمانی هم‌معنی یا مترادف می‌گوییم که بتوان یکی را جانشین دیگری کرد و تغییری در معنی کلام پیش نیاید.» (صفوی، ۱۳۸۶: ۶۸) «رابطه هم‌معنایی را می‌توان عموماً با ایدئولوژی‌های خاص مرتبط دانست. ممکن است این ایدئولوژی در بستر نوع خاصی از گفتمان باشد و یا به صورت خلاقه در متن به‌وجود آمده باشد.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۷) نمونه‌هایی از این مفهوم زبانی را در وقف‌نامه مورد پژوهش ذکر می‌کنیم.

بستان - گلشن/ حمد - سپاس/ بارگاه - درگاه/ کریم - احسان/ مثمر - بارور/ زیب - زینت/ فرط - بی‌نهایت/ ازاهیر - گل‌ها/ وجود - هستی/ روضه - حدیقه/ طایران - مرغان/ برابر - یکسان/ فرادیس - جنات/ نبوت - رسالت/ وادی - بیداء/ ضلالت - نوایب/ تحریر -



ترقیم/ وقف مؤبد - حبس مخلد/ خیرات - مبرات.

از آن‌جا که واقف از چهره‌های مذهبی و ادبی عصر خود می‌باشد به کارگیری واژگان هم‌معنی در این وقفنامه که بسامد بالایی از آن‌ها برگرفته از متون دینی مانند قرآن کریم می‌باشند، باری ایدئولوژیک دارند.

۲-۱-۳. تقابل معنایی:

«اصطلاح تقابل معنایی به هنگام بحث درباره مفاهیم متقابل یا در اصطلاح سنتی، معانی متضاد واژه‌ها به کار می‌رود واژه‌های متضاد واژه‌هایی هستند که مفهوم یکی از این واژه‌ها در نقطه مقابل مفهوم واژه دیگر قرار گرفته است.» (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۱۷)

ایجاد تقابل معنایی و تناسب موسیقایی، بخشهایی از وقفنامه حاج آقا محسن اراکی را، زیباتر و هنری‌تر نموده است؛ موارد زیر نمونه‌های خوبی برای موضوع تقابل معنایی به حساب می‌آیند:

ممکنات - عدم/ غیب - شهود/ نیستی - هستی/ صوری - معنوی/ آسمان - زمین/ کلیات - جزئیات/ سوابق - لواحق/ روحانی - جسمانی.

در حقیقت نگارنده وقفنامه با آوردن واژگانی که از نظر شکلی دارای تقابل معنایی هستند، ضمن آنکه بر زیبایی متن افزوده است، سعی دارد بر جامعیت این موقوفه تأکید نماید و ذهن خواننده را برای ورود به بخشهای بعدی وقفنامه آماده کند.

واژگان دارای تقابل معنایی در وقفنامه حاج آقا محسن میتواند بیان‌گر دقت و نیز فراگیری و در نظر گرفتن کلیت موضوع مورد نظر باشد چنانکه هیچ کس و هیچ چیزی از قلم نیفتاده است.

۳-۱-۳. شمول معنایی:

«این امکان وجود دارد که مفهومی بتواند یک یا چند مفهوم دیگر را شامل شود. در چنین شرایطی رابطه شمول معنایی مطرح خواهد بود که رابطه‌ای میان یک مفهوم و مفهوم‌های تحت شمول آن است» (همان: ۹۹) مانند: وظیفه‌خوار که واژه شامل است و زیر مشمول آن متولی، ناظر، مدرسین و طلاب است، همچنین موقوفات که واژه شامل است و زیر مشمول آن تمامی شهرها، روستاها، مراتع، زمین‌ها، اماکن و غیره قرار می‌گیرد. منضات عرفیه نیز واژه شامل است که زیر شمول آن ممر، مدخل، شرب، مشارب، اراضی، صحاری، مراتع و مرايض قرار می‌گیرد.

پیرامون موضوع وجود رابطه شمول معنایی در وقفنامه حاج آقا محسن اراکی

می‌توان گفت از سویی دلایل زیست محیطی، تقسیم بندی این واژه‌ها و کاربرد زیر شمول‌ها را موجب شده و از سوی دیگر فرهنگ و جامعه زبانی آن روزگار نیز در به‌کاربردن واژگان دارای شمول معنایی مؤثر بوده است.

۴-۱-۳. حسن تعبیر:

در مورد کلمه‌هایی به کار می‌رود که به منظور اجتناب از ارزشهای منفی جانشین کلمه‌ای متعارف‌تر یا آشنا تر می‌شود. در وقفنامه حاج آقا محسن اراکی مبرات و خیرات به جای صدقه، خارج کردن به جای اخراج کردن، جنت مکان خلدآشیان به جای متوفی، علما و طلاب به جای معلمین و محصلین را می‌توان از مصادیق حسن تعبیر قلمداد نمود.

۵-۱-۳. کلمات رسمی و محاوره‌ای:

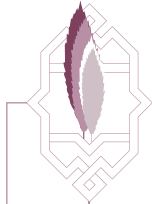
از آن جا که وقفنامه‌ها جزو اسناد رسمی و حقوقی شمرده می‌شوند واقف در تمامی متن از به‌کاربردن کلمات و ترکیبات محاوره‌ای دوری جسته و متن تماماً با زبانی ادبی و درنهایت بلاغت و فصاحت متون مثور دوره قجری نگارش یافته است.

۲-۳. سطح تفسیر:

در این مرحله، ویژگی‌های صوری متن در مرحله توصیف، به منزله سرنخ‌هایی عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌کند. گفتمان‌ها و متون آن‌ها دارای تاریخ‌اند و به مجموعه‌های تاریخی وابسته‌اند. ارزش‌های متنی صرفاً با وارد کردن آن‌ها در تعامل اجتماعی است که جنبه‌ای واقعی می‌یابد. بنابراین تنها پرداختن به صورت متن کافی نیست. بر همین اساس متون بر اساس پیش فرض‌هایی که به ویژگی‌های متنی ارزش می‌دهد تولید و تفسیر می‌شوند. در تفسیر متن، ترکیبی از محتویات متن و ذهنیت (دانش زمینه) مفسر به‌کار بسته می‌شود. از منظر فرکلاف، «قلمروهای تفسیر زمینه متن مانند زمینه‌های بینامتنی، بر آگاهی‌های پیشین مانند نظم‌های اجتماعی و کنش متقابل تاریخی منطبق است. از ابزارهای تحلیل در سطح تفسیر در تئوری پیشنهادی فرکلاف، بافت موقعیتی گفتمان، نوع گفتمان و بینامتنیت است.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵).

۱-۲-۳. بافت موقعیتی:

بررسی بافت موقعیتی گفتمان به درک بهتر از بستر سیاسی، اجتماعی و همچنین شرکت کنندگان گفتمان کمک می‌کند تا پژوهشگر درک بهتری از شرایط واقعی زمانی و مکانی‌ای که در ساخت و مصرف گفتمان دخیل بوده‌اند به دست آورد. «بافت یا زمینه تمام شرایط



زمانی، مکانی، و غیرزبانی است که متن در بستر آن شکل می‌گیرد. زبان امری جدا از زمینه نیست بلکه بخشی از زندگی واقعی است و کاربرد زبان در این بستر واقعی انجام می‌پذیرد.» (پاشازانوس ۱۳۹۴: ۴۵)

یوسف خان گرجی، سپهدار اعظم، پدر داماد فتحعلیشاه قاجار بعد از تأسیس سلطان آباد (شهراراک) جهت جلب سکونت مردم در آن دیار اقدامات قابل توجهی صورت داد. از آن جمله دعوت از روحانیون سرشناس آن دوران جهت سکونت در این شهر جهت رسیدگی به امورات شرعی رعایا بود. سید احمد مکی یکی از آن چهره‌ها بود که بعد از ورود به اراک، توسط یوسف خان در محله قلعه ساکن گردید. همچنین «مدرسه سپهدار که هم زمان با تأسیس بازار به دستور یوسف خان گرجی بنا گردیده بود و اولین مدرسه در شهر اراک بود» (نعیمی، ۱۳۸۵: ۴۰۹) جهت سرپرستی به او واگذار شد. زعامت این مدرسه بعد از وی به فرزندش میرزا ابوالقاسم و بعد از وی به فرزندش حاج آقا محسن رسید. حاج آقا محسن که خود از علمای برجسته سده سیزدهم هجری قمری بود در جهت توسعه و رواج این مدرسه تلاش‌های فراوان نمود. او که به‌عنوان بزرگ‌ترین واقف ناحیه عراق شناخته می‌شد در راه ترویج علوم دینی چیزی بالغ بر ثلث دارایی‌های خود را وقف نمود. زمان ایجاد این وقف توسط حضرت آیت الله العظمی حاج آقا محسن اراکی مقارن با دوره حکومت قاجاریه، سال ۱۲۹۹ هجری قمری، ۱۲۵۶ هجری شمسی، مطابق با ۱۸۷۸ میلادی در دوره حکمرانی ناصرالدین شاه قاجار بوده است.

با چند پرسش می‌توان به تفسیر بافت موقعیتی پرداخت؛ چرا که تفسیر «علاوه بر تفسیر متن، تفسیر زمینه بافت متن را نیز شامل می‌شود» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۹).

الف) ماجرا چیست؟ در این پرسش که از متن می‌شود، خواستار آن هستیم تا دریابیم که در متن چه فعالیت‌هایی در حال انجام است و عنوان و هدف این فعالیت چیست؟ در این پرسش به چستی ماجرا توجه می‌شود و پاسخ به این پرسش ما را در تفسیر متن و زمینه متن یاری می‌رساند.

ب) چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ این پرسش هم درباره زمینه بافت متن و هم درباره فاعلان اجتماعی که تولید متن در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند، مطرح می‌شود تا جایگاه‌های فاعلی مشخص گردد. ج) روابط میان آن‌ها چیست؟ فرکلاف می‌گوید: «پرسش‌های مربوط به اشخاص درگیر و نوع روابطشان بی‌تردید دارای ارتباط بسیار نزدیکی هستند، اگرچه از نظر تحلیلی دو پرسش متفاوت‌اند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲۴). در پاسخ

به این پرسش بر ویژگی روابط میان فاعلان اجتماعی هم در بافت و هم در متن توجه می‌شود. پرکنیس یا کردار گفتمانی، ترکیبی از عناصر گفتمانی و غیرگفتمانی است که این عناصر در پژوهش حاضر به‌قرار زیر هستند:

عناصر گفتمانی: متن وقف‌نامه

عناصر غیرگفتمانی: شرایط تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر دوران زندگی واقف توضیحاتی پیرامون تشریح بافت موقعیتی وقف‌نامه از طریق واکاوی عناصر گفتمانی (چیستی ماجرا):

نویسنده کیست؟ در وقف‌نامه حاج آقا محسن اراکی، نویسنده شخص واقف بوده‌است. ایشان از کاتبان مشهور دوره قاجار و به زبان عربی نیز مسلط بوده‌است. چه فعالیتی در حال اجراست؟ اموالی در راه خدا وقف می‌شوند تا درآمد آن صرف امور خیر و عام‌المنفعه شود.

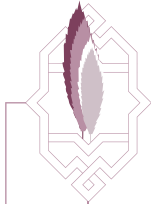
نقش و کارکرد وقف‌نامه چیست؟ اطلاع‌رسانی به همگان به‌ویژه آیندگان برای عمل کردن به دستورات واقف و معین کردن وظایف هر یک از اشخاصی که یا نام آن‌ها در وقف‌نامه برده می‌شود و یا این‌که دارای شرایط ذکر شده در وقف‌نامه هستند.

چه کسانی درگیر ماجرا هستند و روابط بین آن‌ها (فاعلان اجتماعی) چیست؟ واقف، متولی، ناظران، گواهان و شاهدان بر انجام وقف و کسانی که از درآمد و منافع موقوفه بهره‌مند می‌شوند، همگی فاعلان اجتماعی درگیر در ماجرا به‌شمار می‌روند. همچنین نقش عالمان دینی در تهیه، تنظیم، تصحیح و اجرای مفاد وقف‌نامه‌ها بویژه وقف‌نامه مورد بررسی محسوس است. تقریباً می‌توان گفت وقف‌نامه‌ای نیست که مهر و عبارتی از علمای شیعه در آن حک نشده باشد و یا عالمان دینی در مسئله تولید و یا نظارت بر موقوفه نقشی نداشته باشند.

مقام و موقعیت اجتماعی و سیاسی نویسنده وقف‌نامه و مخاطبان: واقف و مخاطبان وقف‌نامه اعم از متولیان، ناظران، بهره‌مندان از درآمد موقوفه یا موقوف‌علیهم هر کدام دارای موقعیت اجتماعی و سیاسی خاصی هستند.

۲-۲-۳. بینامتنیت:

«تحلیل زبان‌شناختی نشان می‌دهد که چگونه متون از نظام‌های زبانی در معنای وسیع کلمه به نحو گزینش‌گرانه بهره می‌گیرند. حال آن‌که تحلیل بینامتنی نشان



می‌دهد که متون چگونه از نظم‌های گفتمان به نحوی گزینش‌گرانه استفاده می‌کنند؛ یعنی ترکیب خاصی از روش‌های قراردادی شده که در شرایط خاص اجتماعی در دسترس تولید کنندگان و مفسران متون قرار می‌گیرند.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲۲) «بینامتنیت از جمله متداول‌ترین اصطلاحات مورد استفاده و سوء استفاده در دایره واژگان نقادانه معاصر است. بینامتنیت به عنوان یکی از ایده‌های محوری موجود در نظریه ادبی معاصر اصطلاح شفاف‌ی نیست و بنابراین به‌رغم بهره‌گیری اطمینان بخش بسیاری از نظریه پردازان و منتقدان از آن نمی‌توان به شیوه سرراستی مطرح شود.» (آلن، ۱۳۸۰: ۶) «بینامتنیت نشانگر تاریخ‌مند بودن گفتمان است و برای فهم نوشتار و ساختار نوشتاری موضوعی اساسی است. یک گفتمان در فضای ذهنی و انتزاعی شکل نمی‌گیرد و تولید نمی‌شود، بلکه محصول شرایط عین سیاسی و اجتماعی مؤثر در ذهن پدیدآور گفتمان و تعامل پدید آور با شرایط بافتی است. در این فرآیند پدید آورنده متن از متون پیشین استفاده می‌کند و اثر جدیدی در زمینه گفتمانی خاص ایجاد می‌کند و درچارچوب بینامتنیت است که متون کهن بر زمینه‌های نوین اثر می‌گذارند.» (پاشازانوس ۱۳۹۴: ۵۵) «اصل اساسی نظریه بینامتنیت این است که هیچ متنی بدون پیش متن نیست و متن‌ها پیوسته بر اساس متن‌های گذشته بنا می‌شوند.» (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۲۷) همچنین «جهت فهم یک متن تنها توجه به روابط درون متنی کارساز نیست و می‌بایست به رابطه متن با سایر متون نیز توجه کرد.» (قائمی نیا، ۱۳۹۳: ۴۱۳) «بینامتنیت به وضعی اشاره دارد که در آن تمامی رخدادهای ارتباطی به رخدادهای پیشین متکی‌اند، نمی‌توان از به کارگیری کلمات و عباراتی که دیگران پیش از این استفاده کرده‌اند خودداری کرد. یکی از مشکل‌های کاملاً متداول میان متنیت، همان میان متنیت آشکار است که طی آن متون آشکارا به سایر متون اشاره می‌کنند. به طور مثال از آن‌ها نقل قول می‌آورند.» (یورگنسن و فیلیپس ۱۳۹۵: ۱۲۹) این مفهوم بیانگر چرخش مفاهیم در میان گفتمان‌های مختلف و تغییر معنایی مفاهیم در گفتمان‌های مختلف است. مفهوم بینامتنیت علاوه بر جایگاه تئوریک در فهم متون و گفتمان‌ها می‌تواند ابزاری مهم برای درک قول و تحلیل جایگاه متون در گفتمان‌هایی باشد که این متون در بستر آن شکل گرفته‌اند. در نمونه‌های ذیل، وجوه بینامتنیت قرآنی و روایی در وقف‌نامه حاج آقا محسن اراکی به‌وضوح دیده می‌شود:

- متن حاضر (وقف‌نامه): ... ریاحین ممکنات را از صحرای عدم بچمن وجود جلوه داد و از عین مرحمت، ابواب مکرمت بر روی ارباب غیب و شهود که در مهد نیستی غنوده، بگشود

(كان الله و لم يكن معه شيء) کریمی که از کمال احسان و لطف بی پایان نهال ممکنات را در باغ نیستی به فر هستی مثمر و بارور گردانید.

- متن غایب (حدیث نبوی): كَانَ اللهُ وَ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ شَيْءٌ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳ / ۲۳۴) ترجمه: خداوند بود و با او چیزی نبود و اینک نیز همان‌گونه است.

شرح: همان‌گونه که مشاهده میشود، نگارنده وقفنامه ابتدا به شیوه بینامتنی مضمون (تناس مضمون) معانی مورد نظر را از متن غایب گرفته و آن را با هنرمندی و بیان ادبی و با الفاظی متفاوت از متن غایب در متن حاضر به کار میبرد و در ادامه سخن بار دیگر به شیوه بینامتنیت متوازی با توجه به مقتضای حال، حدیث مذکور را در همان معنایی که در متن غایب دارد، در متن حاضر به کار می‌برد. این امر نشان‌دهنده سبکی زیبا و جذاب است که نگارنده وقفنامه آن را به کار گرفته است.

مثال دیگر:

- متن حاضر (وقفنامه): «صانعی که جمیع مخلوقات را بی ماده از محض عدم و عدم محض بکسوت وجود و خلعت هستی سرافراز نمود. بی مانندی که بلبان روضه ایجاد بر احدیتش هم آواز (و لئن سألتهم من خلق السموات والأرض ليقولن الله)».

- متن غائب (قرآن کریم): «وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَيَقُولَنَّ اللهُ» (الزمر/۳۸). ترجمه: و اگر از آن‌ها بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را خلق کرده است، قطعاً خواهند گفت: خدا.

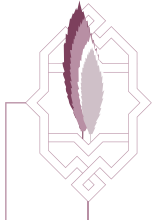
شرح: نگارنده در مثال مذکور نیز به مانند مورد قبلی، ابتدا معنای متن غایب را که همان خلق همه عالم هستی توسط خداوند عزوجل است - گرفته و سپس جامه‌ای از الفاظ و تعابیر ادبی را بر تن معنای متن غایب میپوشاند. در ادامه کلام، متن غایب را به گونه‌ای که مقتضای حال متن حاضر باشد به شیوه بینامتنیت متوازی در همان معنای اصلی خویش به کار میبرد که این امر نیز نمونه‌های از بینامتنیت مضمون است.

مثال دیگر:

- متن حاضر (وقفنامه): علیمی که بر سوابق و لواحق و کلیات و جزئیات علمش برابر و یکسان است (و هو بكلّ شیءٍ علیم) مریدی که به محض اراده بیتغییر در ذات جمله ممکنات را موجود نمود (وَ مَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ) (إذا أرادَ شيئاً أن يقولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ)

- متن غایب (قرآن کریم):

- هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (الحديد/۳) ترجمه: اوست اول



و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست.

- وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَفَحٍ بِالبَصْرِ (القمر/۵۰) ترجمه: و فرمان ما جز یک بار نیست [آن هم] چون چشم به هم زدنی.

- إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (یس/۸۲) ترجمه: چون به چیزی اراده فرماید کارش این بس که می‌گوید باش پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود.

شرح: محرّر وقفنامه ابتدا مضمون آیه نخست را اخذ کرده و آن را با الفاضی دیگر که سبک ادبی دارند بیان می‌کند مثلاً معنای (کلّ شیء) را با عبارت: سوابق و لواحق و کلیات و جزئیات بیان میکند یا این که به مانند آیه شریفه از «علیم» بودن خداوند می‌گوید و همان‌طور که پیش از این بیان شد این پدیده را بینامتنیت مضمون مینامند. نگارنده باز به این قدر از سخن اکتفا نکرده است و به جهت تأکید بر گفته خویش بخشی از آیه را بر می‌شمرد که متناسب با حال و هوای متن و مقتضای کلام است و از آن جایی که معنای آیه را تغییر نداده و آن را در همان معنای اصلی خویش به کار بسته است از نوع بینامتنیت متوازی می‌باشد. در مورد دو آیه دیگر نیز وضع بر همین منوال است.

نگارنده هنگامی که از قدرت خداوند در تکوین اشیاء به محض اراده کردن سخن می‌گوید در حقیقت معنا را از آیات قرآن کریم اقتباس کرده است که خود همین شاهد مثالی برای بینامتنیت مضمون است و در ادامه نیز به مانند موارد قبلی بخشی از آیات را در همان معنای اصلی خود و متناسب با مقتضای کلام ذکر میکند که در زمره بینامتنیت متوازی جای می‌گیرد. در این مثال تلفیق و ترکیب متن نگارنده با آیات قرآن کریم به خوبی مشهود و قابل بررسی است.

مثال دیگر:

مثال هایی که تا کنون برشمردیم همگی در باب حمد و ثنای خداوند متعال بوده است. نگارنده در تحدیدیه وقفنامه بر پیامبر (ص) و معصومین (ع) سلام و درود می‌فرستد و در این سیاق از آیات و احادیث بهره میبرد که چند نمونه از آن ذکر می‌شود:

متن حاضر (وقفنامه):علی الخصوص بر آن صدر نشین صفّه «کنث نبیاً و آدم بین الماء و الطّین» و نازنین چار بالش «و ما أرسلناک إلا رحمة للعالمین» آن دایر دیار «سبحان الذی أسرى» و آن خلوت گزین (لی مع الله) و آن ناطق «ما ینطق عن الهوی» و آن ناظر «ما زاغ البصر و ما طغی...».

- متن غایب (۱) (حدیث نبوی):

- كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطَّيْنِ. (بکری، ۱۴۱۱: ۳).

- ترجمه: من پیامبر بودم در حالی که حضرت آدم (ع) بین آب و گل بود.

- متن غایب (۲) (قرآن کریم):

- (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) (الأنبياء/۱۰۷) ترجمه: و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

- متن غایب (۳) (قرآن کریم):

- (شُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ) (الإسراء/۱) ترجمه: منزه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامون آن را برکت داده‌ایم سیر داد تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست.

- متن غایب (۴) (حدیث نبوی):

- لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَا يَسْغِي فِيهِ مَلَكٌ مُّقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُّرْسَلٌ (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵ / ۴۶۹).

- ترجمه: مرا با خداوند زمان (انسی) است که هیچ ملک مقرب و هیچ پیغمبری را بدان راه نیست.

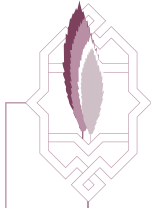
- متن غایب (۵) (قرآن کریم):

- وَمَا يُنطِقُ عَنِ الْهَوَى (النجم/۳) ترجمه: و از سر هوس سخن نمی‌گوید.

- متن غایب (۶) (قرآن کریم):

- مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى (النجم/۱۷) ترجمه: دیده [اش] منحرف نگشت و [از حد] در نگذشت.

شرح: آنگونه که مشاهده میشود نگارنده وقفنامه در مدح پیامبر اسلام (ص) چندین آیه و حدیث را با قلم خویش ترکیب میکند که بر حلاوت و زیبایی کلامش می‌افزاید. در این بخش از تحمیدی و وقفنامه، سبک نگارنده با بخشی که به حمد و ثنای خداوند متعال می‌پردازد تفاوت دارد؛ چرا که دیگر از تناس مضمون استفاده نمی‌کند بلکه به شیوه تناس متوازی آیات و احادیث را در کلام خویش به کار می‌گیرد و آن‌ها را از معانی اصلی خویش خارج نمی‌کند و این آیات و احادیث متناسب با مقتضای کلام می‌باشد. آیات مذکور نشان می‌دهند که نویسنده، ابتدا به آفرینندگی خداوند و سپس به مخلوق برتر یا اشرف مخلوقات بودن انسان و پس از آن به عنایت خاص خداوند به انسان و اعطای مقام



نبوت به او یعنی حضرت محمّد بر او منت نهاده و با مساله معراج او را برتر فرشتگان قرار داده است. البته انحصار توجه حضرت نبوی به خداوند و آن‌ها در هرچه غیر خداست از نشانه‌های این مزیت خداداده است. در این میان نویسندگان به تعریض، ثروت را نیز داده‌های الهی میدانند و انحصار وقف به کسب رضای خدا در ساخت و راه انداختن مدرسه دینی را عامل اصلی این عمل معرفی میکنند.

۳-۲-۳. نوع گفتمان:

واقف در قسمت مقدمه متن وقفنامه با توجه به این مسئله که خود از علما و مجتهدان عصر ناصری بوده است با استفاده از گفتمانی مذهبی به حمد و سپاس خداوند متعال و نعت و تنزیه پیامبر گرامی اسلام (ص) پرداخته و بدین ترتیب رابطه بین ایدئولوژی و قدرت را به خوبی نمایان ساخته است. در این راستا با بهره‌گیری از روابط بینامتنی با احادیث قدسی، احادیث نبوی، روایات معصومین و استناد به آیات شریفه قرآنی به گفتمانی کلامی و فلسفی دست پیدا می‌کند. ایجاد رابطه بینامتنی در نقل احادیث و آیاتی که دال بر وجود ذات ازلی - ابدی خداوند متعال و اشاره به صفات ثبوتیه، مباحثی از علم کلام و فقه می‌باشد. اشاره به آیات در چگونگی و فلسفه آفرینش انسان و خلیفه قرار دادن او از سوی خدا بر روی زمین در کنار تقدیس ذات اقدس باری تعالی در ساخت این گفتمان فلسفی تأثیرات ژرفی نهاده است. همچنین پرداختن به نقش و اهمیت خلقت پیامبر اسلام حضرت ختمی مرتبت (ص) در آفرینش و اشاره به آیاتی از قرآن کریم که دال بر اهمیت ویژه ایشان در رسالت است، همگی زیرساخت‌های کلامی، فقهی و فلسفی‌ای می‌باشد که در رابطه‌ای دیالکتیکی با گفتمان مذهبی به‌کار گرفته شده، هم‌پوشانی دارد. بنابراین می‌توان گفتمان وقفنامه مورد پژوهش را در مقدمه گفتمان‌هایی فلسفی، کلامی، فقهی و مذهبی، و در قسمت توصیف بیان جزئیات و چگونگی استفاده از موقوفات و نگهداری از آن‌ها، گفتمانی اجتماعی و فرهنگی تلقی کرد.

۳-۲-۴. سطح تبیین:

مرحله تبیین، نشان دهنده چگونگی تولید و تعیین گفتمان‌ها از سوی مناسبات قدرت و ساختارهای اجتماعی و نیز آثار گفتمان‌ها بر ساختارها و مناسبات قدرت، حفظ، تغییر یا بازتولید آنان است. «هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است. تبیین، گفتمان را به عنوان یک کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند. همچنین تبیین

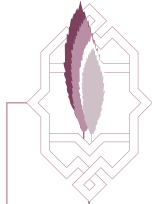
نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر آن ساختارها بگذارد. تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۰)

در این مرحله، به تحلیل متن به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت پرداخته می‌شود. از مرحله تفسیر به مرحله تبیین با توجه به این نکته می‌توان گذر کرد که با بهره گرفتن از جنبه‌های گوناگون دانش زمینه‌ای به عنوان شیوه‌های تفسیری در تولید و تفسیر متن، دانش یاد شده باز تولید خواهد شد. «در تبیین پرسش‌هایی مانند این مطرح است: چه نوع از روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن این گفتمان مؤثر است؟ چه عناصری از پیش‌انگاشت که مورد استفاده واقع شده‌اند دارای خصوصیات ایدئولوژیک است؟ جایگاه این گفتمان نسبت به مبارزات در سطوح گوناگون نهادی و اجتماعی چیست؟ آیا در خدمت روابط موجود است یا در جهت دگرگون ساختن آن؟» (همان، ۲۵۰) مسئله اساسی در این سطح تحلیلی، بررسی چگونگی ارتباط گفتمان و ساختار قدرت و ایدئولوژی است و در این سطح از تحلیل، مفهوم قدرت و ایدئولوژی بررسی می‌شود.

۳-۲-۵. ایدئولوژی و قدرت:

یکی از مباحث پیش‌نیاز در پژوهش‌های مبتنی بر تحلیل انتقادی گفتمان، درک ماهیت سلطه و قدرت اجتماعی است. قدرت اجتماعی از یک سو ریشه در امتیاز دسترسی به منابع ارزشی و نادر جامعه دارد. منابعی مانند ثروت، موقعیت، مقام، تحصیلات، دانش، عضویت در گروه‌هایی خاص و غیره و از دیگر سو در دسترسی خاص به ژانرها، صور و بافت‌های متفاوت گفتمان، قدرت کنترل را نیز دربرمی‌گیرد؛ یعنی توانایی اعضای یک گروه در کنترل اعضای گروه دیگر. چنین کنترلی هم شامل کنترل کنش می‌شود هم کنترل شناخت. یعنی گروه قدرتمند علاوه بر آن که می‌تواند آزادی کنش گروه‌های دیگر را تهدید کند، می‌تواند ذهن ایشان را نیز تحت سلطه خود درآورد. اعضای گروه‌های حاکم، قدرت خود را قطعی می‌دانند و با استفاده از ابزارهای گوناگون کلامی آن را توجیه می‌کنند و به آن مشروعیت می‌بخشند تا جایی که این قدرت طبیعی تلقی شود. ایدئولوژی و قدرت دو مفهوم اساسی در تحلیل گفتمان هستند. روث ووداک که از نظریه پردازان تحلیل گفتمان انتقادی است در تعریف ایدئولوژی بیان می‌دارد: «هسته مرکزی تعریف ایدئولوژی عبارت از مجموعه‌ای از عقاید یا ارزش‌های منسجم و نسبتاً پایدار و مستحکم است.» (پاشازانوس، ۱۳۹۴: ۵۶)

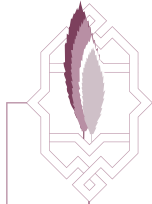
به عبارت دیگر «ایدئولوژی دستگاهی از ایده‌هاست که جهت‌دهنده و معنا دهنده به عمل



بشری است» (آشوری، ۱۳۷۷: ۲۱۳) و این امر که گفتمان کارکردی ایدئولوژیک دارد یکی از اصولی است که در تمامی گرایش‌های تحلیل گفتمان اصلی پذیرفته شده است. بنابراین ایدئولوژی در متن و اجزای آن مانند کلمات و جملات ظاهر می‌شود. از این رو هر متنی دارای جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک است.

جهت تحلیل و کشف روابط قدرت و ایدئولوژی در متن مورد پژوهش، ابتدا به صورت مختصر به ریشه‌های ایمل قاجار و مناسبات قدرت و حکومتی در این دوران می‌پردازیم. آغا محمد خان قاجار، بعد از مرگ کریم خان زند، داعی سلطنت شد و با فائق آمدن بر هفده سال مبارزات مستمر، در نهایت در سال ۱۲۱۰ هجری قمری سلسله قاجاریه را به سلطنت رساند و با شقاوت‌های سختی که از خود نشان داد ایران را که بعد از مرگ نادرشاه افشار به نوعی ملوک‌الطوایفی اداره می‌شد، یکپارچه ساخت. بعد از او برادر زاده‌اش فتحعلی خان به سلطنت رسید و بعد از فتحعلی شاه، نوه او، محمد شاه بر تخت نشست. پسر محمد شاه یعنی ناصرالدین میرزا طولانی‌ترین دوره حکومت در دوره قاجار را به خود اختصاص داد و در نهایت به قتل رسید و فرزندش مظفرالدین میرزا به حکومت رسید و حکم مشروطیت را امضاء نمود. پسرش محمدعلی شاه بعد از به دست آوردن قدرت، علم مخالفت با مشروطه را به دست گرفت و در نهایت توسط انقلاب مشروطیت خلع و فرزند خردسالش احمدمیرزا با تعیین نواب به سلطنت نشست. در این دوره سلسله قاجاریه به شدت گرفتار ضعف و انحطاط شد و نهایتاً در سال ۱۳۴۴ هجری قمری به دست رضا خان منقرض و دودمان پهلوی تأسیس گردید. قاجاریه همانند صفویه حکومتی بود که بر اساس مذهب تشیع شکل گرفت. از این‌رو پادشاهان این سلسله همواره مدعی تشیع و عمل به واجبات و پرهیز از محرمات بودند. بنابر همین اصل، روحانیون و عالمان دینی در این عصر، همواره دارای تأثیرات و نفوذ گسترده‌ای بودند؛ تاجایی که در ماجرای تنباکو بعد از فتوای میرزا رضا، حتی حرمسرای شاه قاجار از دستور شاه سرپیچی نمودند و قلیان‌ها را شکستند. در این دوره فضای مذهبی شدیدی بر کشور سیطره داشت و روابط قدرت بین شاه و روحانیون دینی نهادینه بود. در نتیجه وقف به عنوان مقوله‌ای دینی و مذهبی رونق و فراوانی بیش از پیش یافت. پادشاهان که همواره مدعی تشیع و عمل به آن بودند جهت تحصیل مقبولیت نزد عامه مردم به صدقات، تبرعات و وقف‌های علنی پرداختند. به تبع آن روحانیون و طبقه اشراف که در آن ایام دارای نفوذ فرهنگی و اجتماعی فراوانی بودند، در این مسیر اقدامات زیادی انجام دادند و با وقف اموالش، مورد تحسین دین

مبین اسلام و مذهب تشیع قرار گرفتند و در آن دوره موجب توسعه جامعه و نظام اجتماعی آن گردیدند. «توسعه نهاد وقف به چند عامل بستگی داشت: اقتضائات مدنی - اجتماعی، تلاش‌های نهادهای دینی و هویت و تشخص حاکمیت.» (انصاف‌پور، ۱۳۵۵:۳۳) بنابر استنادات تاریخی، هنگامی که آغا محمد خان در تهران تاجگذاری کرد و آن‌جا را به‌عنوان پایتخت خود در نظر گرفت، تهران مساحتی حدود چهار کیلومتر مربع و جمعیتی کم‌تر از بیست هزار نفر داشت. این رخداد، تهران را بستر رشد و توسعه کرد و این اقتضای مدنی نیازمند تأسیس زیرساخت‌هایی چون مدارس، حمام، راه و غیره بود که این امکانات گاه توسط نهاد وقف تأمین گردید. از ویژگی‌های اجتماعی وقف می‌توان به ایجاد حس همبستگی اجتماعی به منظور رفع نیازهای ضروری طبقات محروم جامعه با همکاری صاحبان ثروت اشاره کرد که به نوعی روزه‌ای برای ورود به بخش خصوصی بود. تحقیق عدالت اجتماعی در توزیع مجدد درآمد که از طریق انتقال ثروت از صاحبان ثروت به فقرا صورت می‌پذیرفت. سهیم شدن در ساختار نظام اجتماعی در تبدیل مالکیت خصوصی به مالکیت عمومی که شامل مسائلی چون بهداشت، آموزش، پوشاک و رفاه عمومی بود. همچنین تأثیر مستقیم بر عمران و آبادانی امکن. چراکه وقف باعث به‌وجود آمدن مظاهر فرهنگی‌ای چون مساجد، تکیه‌ها، مراکز آموزشی، کاروانسراها، آب انبارها، قنات‌ها، پل‌ها و غیره بود. بررسی موقعیت اجتماعی واقفان نشان می‌دهد که آن‌ها از طبقات مختلف جامعه بودند. «جامعه‌شناسان بر این باورند که اصطلاح طبقه به افرادی با منبع درآمد مشابه، میزان درآمد همسان و شیوه زندگی همگون اطلاق می‌شود.» (آبرکرامبی، ۱۳۷۰:۱۵۷) آبراهامیان جامعه ایران در عصر قاجار را به چهار طبقه عمده تقسیم نموده است: «طبقه اول نخبگان مرکزی و محلی که عبارتند از سلسله قاجار، شاهزادگان، درباریان، تیولداران، صاحبان مناصب و مقامات که لقب‌هایی همچون السلطنه، الدوله، الملک و غیره را در پسوند اسم خود داشتند. همچنین اندک مقامات مذهبی منسوب به دولت مانند امام جمعه، شیخ الاسلام و قضات. طبقه دوم طبقه متوسط که عبارتند از تجار، کسبه، بازاریان که پیوند مستحکمی با روحانیون اعم از علماء، مجتهدان و واعظان داشتند. طبقه سوم شامل صنعتگران، کارگران مزدور و کارگران ساختمانی. طبقه چهارم شامل رعایا، ایلات و دهستانان.» (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۴) بررسی‌ها نشان می‌دهد که واقفان عموماً از بین دولتمردان، روحانیون و بازاریان بودند. مهم‌ترین مصارف وقف در بخش اجتماعی و رفاهی جامعه خلاصه می‌شود که به سربخش عمرانی، بهداشتی و فرهنگی تقسیم می‌شود.



مصارف عمرانی مانند احداث و تعمیر آب انبارها، یخچال‌ها، قنات‌ها، کاروانسراها، پل‌ها و غیره. مصارف بهداشتی مانند تأسیس حمام‌ها، بیمارستان‌ها و مصارف فرهنگی مانند تأسیس مدارس علمی و مذهبی. همچنین برپا داشتن تعزیه‌ها و مجالس روضه خوانی. «یکی از اهداف وقف در دوره قاجار آموزش است که بیشتر در قالب آموزش دینی است» (رضایی، ۱۳۹۰: ۲۹۷)

حضرت آیت الله حاج آقا محسن اراکی به‌عنوان یکی از چهره‌های مذهبی آن دوره از جمله اشخاصی بود که با داشتن نفوذ فرهنگی و قدرت اجتماعی، دارایی‌هایش را در مسیر تبلیغ و ترویج دین اسلام و تشیّع قرار داد و وقف‌نامه‌ او حاوی بسیاری از واژگان و عبارات‌های دارای بار ایدئولوژیک مذهبی است.

نتیجه‌گیری:

تحلیل گفتمان انتقادی یکی از رویکردهای تحلیل گفتمان است که در سال‌های اخیر گسترش یافته و بسیاری از تحلیل‌گران انتقادی از این روش برای تحلیل متون در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، ادبی، مذهبی و غیره استفاده کرده‌اند. وقف نیز در تمامی ادیان به شکل‌های متفاوت وجود دارد. دین مبین اسلام مردم را به کمک برای نشر دین و تأمین نیازهای معیشتی طبقه کم‌درآمد ترغیب می‌کند و آن را وسیله‌ای برای کسب رضای خدا در رسیدن به کمال می‌داند. اهمیت وقف در اسلام سبب گردید بسیاری از نیکوکاران وقف را به‌عنوان صدقه جاریه برگزینند و درآمد قسمتی از اموال خود را برای مصارف معینی وقف نمایند که در عصر ناصری این امر رو به فزونی نهاد و متن مورد بررسی در این نوشتار یکی از این اسناد است. وظیفه‌ای که تحلیل گفتمان خود را به آن ملزم می‌کند، کشف آثار و نشانه‌های ایدئولوژیک در متن‌هاست. در این بین یکی از رایج‌ترین رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی، الگوی پیشنهادی نورمن فرکلاف می‌باشد که به بررسی متن در سه لایه توصیف، تفسیر و تبیین می‌پردازد. در وقفنامه مورد بررسی هر سه سطح تحلیل با یکدیگر در تعامل هستند، زیرا ادبیات و سخندانی در خدمت اهداف سیاسی، اجتماعی و مذهبی قرار گرفته و اعتقادات ایدئولوژیک در ساختار زبان ظاهر شده است. در لایه توصیف در مؤلفه هم‌معنایی این نتیجه به‌دست آمد که از آن‌جا که واقف از چهره‌های مذهبی و ادبی عصر خود می‌باشد به کارگیری واژگان هم‌معنی در این وقفنامه که بسامد بالایی از آن‌ها برگرفته از متون دینی مانند قرآن کریم می‌باشند، باری ایدئولوژیک دارند. همچنین شمول معنایی، تقابل معنایی، حسن تعبیر نیز توسط واقف در متن وقفنامه در بالا بردن ایجاد روابط معنایی در ساختار زبانی، بسیار کارآمد عمل کرده است. در سطح تفسیر بافت موقعیتی نیز این نکته حائز اهمیت است که واقف در قسمت مقدمه متن وقفنامه با توجه به این مسئله که خود از علما و مجتهدان عصر ناصری بوده است، با استفاده از گفتمانی مذهبی، به حمد و سپاس خداوند متعال و نعت و تنزیه پیامبر گرامی اسلام (ص) پرداخته است. بنابراین می‌توان گفتمان وقفنامه مورد پژوهش را در مقدمه، گفتمان‌هایی فلسفی، کلامی، فقهی و مذهبی، و در قسمت توصیف بیان جزئیات و چگونگی استفاده از موقوفات و نگهداری از آن‌ها؛ گفتمانی اجتماعی و فرهنگی تلقی کرد و در لایه تبیین، با توجه به ترویج اصول و فروع مذهبی توسط قدرت حاکمه، متن را هم‌راستا با قدرت و ایدئولوژی در حرکت دانست.

کتابنامه:

- آبرکرامبی، نیکولاس، (۱۳۷۰). *فرهنگ جامعه شناسی*، تهران: نشر چاپخش.
- آبراهامیان، پروند، (۱۳۸۸). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: فی.
- آشوری، داریوش، (۱۳۷۷). *ماومدنیت*. تهران: موسسه فرهنگی صراط.
- آقا گل زاده، فردوس، (۱۳۹۴). *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آلن، گراهام، ۱۳۸۰، *بینامتنیت*، پیام یزدانجو، تهران، مرکز.
- امام جمعه زاده، سید جواد، (۱۳۷۹). «نقش وقف در بهبود اوضاع اجتماعی اقتصادی و فرهنگی»، *فصلنامه وقف میراث جاویدان*، سال هشتم، شماره ۲.
- انصاف پور، غلامرضا، (۱۳۵۵). *تاریخ زندگی اقتصادی روستائیان و طبقات اجتماعی ایران از دوران ماقبل تاریخ تا پایان ساسانیان*، تهران: نشر اندیشه.
- پاشازانوس، احمد. جعفری، روح اله، (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمان انتقادی خطبه زیاد بن ابیه»، *پژوهشنامه نقد ادب عربی*، شماره ۱۱.
- جناتی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۳). «وقف از دیدگاه مبانی اسلام»، *فصلنامه وقف میراث جاویدان*، ش ۵.
- حجتی، سید رضا، (۱۳۹۰). *گفتمان مناظرهای*، تهران: ساقی.
- حلی، ابوالقاسم، (۱۳۸۵). *تبصره المتعلمین*، ترجمه ابوالحسن شعرانی، تهران: دارالکتاب اسلامیه.
- دسپ، علی، (۱۳۸۸). *تحلیل گفتمان غالب در رمان‌های سیمین دانشور*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- رضایی، امید، (۱۳۹۰). *درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- صفوی، کورش، (۱۳۸۶). *آشنایی با معنی شناسی*، تهران: پژوهک کیهان.
- _____، (۱۳۸۳). *درآمدی بر معنی شناسی*، تهران: سوره.
- فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فاضلی، محمد، (۱۳۸۳). «گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی»، *پژوهشنامه علوم اجتماعی و انسانی*، سال ۴ شماره ۱۴.
- فیض، علیرضا، (۱۳۷۳). «وقف وانگیزه های آن»، *فصلنامه وقف میراث جاویدان*، ش ۴
- قائمی نیا، علیرضا، (۱۳۹۳). *بیولوژی نص: نشانه شناسی و تفسیر قرآن*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۸۶). *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتاب اسلامیه.
- مک کافری، لری، (۱۳۸۷). *ادبیات داستانی پسامدرن*، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
- میلز، سارا، (۱۳۸۸). *گفتمان*، ترجمه فتاح محمدی، زنجان: هزاره سوم
- نعیمی، داود، (۱۳۸۵). *افتخارآفرینان استان مرکزی*، اراک: کومه
- نامور مطلق، بهمن، (۱۳۹۰). *درآمدی بر بینامتنیت*، تهران: سخن
- واحدی، وحیده سادات و سید رضایی، زری سادات، (۱۳۹۵). «*تحلیل گفتمان انتقادی داستان‌های جلال آل احمد و سیمین دانشور*»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۳
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس لوئیز، (۱۳۹۵). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.